

مقایسه میزان اختلالات رفتاری، رفتارهای سازشی و میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان استثنایی نظام آموزشی ویژه با نظام آموزشی تلفیقی

داود فتحی^۱، فرناز کشاورزی ارشدی^۲، محمود جمالی فیروزآبادی^۳، *امید مسّاح چولابی^۴

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر مقایسه میزان پیشرفت تحصیلی، رفتارهای سازشی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان استثنایی نظام آموزشی ویژه با نظام آموزشی تلفیقی استان همدان بوده است.

روش بررسی: در این پژوهش علی‌مقایسه‌ای، از بین کلیه دانش‌آموزان استثنایی که در دو گروه نابینا و ناشنوا و در سه دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه مشغول به تحصیل بودند، تعداد ۴۰ نفر از دانش‌آموزان نظام تلفیقی (کل جامعه) و ۴۰ دانش‌آموز نظام آموزشی ویژه به روش نمونه‌برداری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه مبتنی بر تجربه آخنباخ، فرم معلم استفاده شده و پس از جمع‌آوری اطلاعات، نتایج حاصل بوسیله آزمون‌های تی مستقل و تحلیل واریانس چند متغیره تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین میزان پیشرفت تحصیلی، رفتارهای سازشی و میزان نوع اختلالات رفتاری دانش‌آموزان استثنایی در نظام آموزشی تلفیقی با نظام آموزشی ویژه تفاوت معنادار وجود داشته ($P < 0/001$) و میزان پیشرفت تحصیلی و رفتارهای سازشی در دانش‌آموزان نظام آموزشی تلفیقی بیشتر از نظام آموزشی ویژه و اختلالات رفتاری این دانش‌آموزان نسبت به همگنان آنها در نظام آموزشی ویژه کمتر است.

نتیجه‌گیری: بطور کلی نظام آموزشی تلفیقی در مقایسه با نظام آموزشی ویژه در زمینه‌های پیشرفت تحصیلی، رفتار سازشی و اختلالات رفتاری دانش‌آموزان استثنایی (نابینا و ناشنوا) موفق‌تر است.

کلیدواژه‌ها: دانش‌آموزان استثنایی، رفتارهای سازشی، نظام آموزشی ویژه، نظام آموزشی فراگیر (تلفیقی)، اختلالات رفتاری، پیشرفت تحصیلی

- ۱- کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد توپسرکان
- ۲- دکترای روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، استادیار دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکز
- ۳- دکترای روانشناسی تربیتی، استادیار دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکز
- ۴- پزشک عمومی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

دریافت مقاله: ۸۸/۱/۱۷

پذیرش مقاله: ۸۹/۱۱/۲

* آدرس نویسنده مسئول:

تهران، اوین، بلوار دانشجو، بن بست کودکان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

* تلفن: ۲۲۱۸۰۰۱۸

*E-mail: omchomch@gmail.com



مقدمه

زیرا تحقیقات انجام شده در سطح جهان نشان می‌دهد کودکان استثنایی که در مدارس عادی آموزش می‌بینند با مسائل کمتری روبه‌رو هستند (۳).

در سالهای اخیر علاقه رو به رشدی به تنوع برنامه‌های تحصیلی و فاصله گرفتن از تمرکز بر روی نقایص فرد دانش‌آموزان دیده می‌شود و عادی‌سازی خط مشی اساسی دولت‌ها می‌باشد. در همین زمینه دیدگاه‌ها و رویکردهایی که در زمینه عادی‌سازی وجود دارد، مدرسه را به‌عنوان یک سیستم در نظر می‌گیرد (۴). توجه به آموزش و پرورش تلفیقی در آثار روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت مانند بنک میکلسون^۵، نیرجه^۶ و لانفنبرگ^۷ مورد توجه و تأکید قرار گرفته و نیز تعدادی از فرائضی‌ها و مطالعات موجودند که به‌نحوی پایدار، مزایای کم یا عدم مزیت آموزش ویژه را برای دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه گزارش می‌کنند (۵، ۶).

از طرفی قانون عمومی (۹۴-۱۴۲) در آمریکا و انتشار گزارش وارناک^۸ در انگلستان و بیانیه‌های مختلف یونسکو، اهمیت توجه به این نوع خاص از آموزش و پرورش (نظام آموزش تلفیقی) را مورد تأکید قرار داده است. تحقیقات انجام شده در این زمینه بسیاری؛ از جمله در پژوهشی که دانکرتون^۹ در سال ۱۹۹۵ بر روی دانش‌آموزان دچار آسیب بینایی در مدارس تلفیقی و ویژه انجام داد دریافت، بین افراد مبتلا به آسیب بینایی و افراد بینا در نتایج مربوط به اخذ گواهینامه عمومی آموزش متوسطه تفاوت کلی وجود داشته و نیز دانش‌آموزان تلفیقی نسبت به دانش‌آموزان مدارس ویژه عملکرد تحصیلی بهتری نشان می‌دهند (۷-۹).

آمارها نشان می‌دهد که تا سال تحصیلی ۷۸-۷۹ تنها ۲/۸٪ از دانش‌آموزان استثنایی تحت پوشش نظام آموزشی تلفیقی قرار گرفته‌اند (۱۰، ۲). با توجه به تأکید یونسف مبنی بر اینکه ۹۰٪ کودکان دارای نیازهای ویژه با در نظر گرفتن تمهیدات ویژه قادرند بصورت تلفیقی به تحصیل مشغول باشند، ضرورت گسترش و توجه به برنامه‌های آموزش تلفیقی نمایان می‌شود. با در نظر گرفتن اسنادی که بر برابر سازی فرصتهای آموزشی تأکید داشته‌اند، از قبیل اعلامیه جهانی حقوق کودک (۱۹۵۹)، اعلامیه حقوق افراد کم‌توان ذهنی (۱۹۷۸)، آئین نامه برابری فرصتها برای معلولین (۱۹۸۶)، برنامه اقدام جهانی برای معلولین (۱۹۷۸)، اعلامیه جهانی بقاء، رشد و حمایت کودکان (۱۹۹۰)، اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر (۱۹۹۳)، اعلامیه نهضت جهانی برای کودکان و نوجوانان و بیانیه سالامانکو (۱۹۹۴) و نیز تحقیقات ذکر شده و تأکید یونسف مبنی بر گسترش نظام تلفیقی مشخص می‌شود

نگاهی به سیر تاریخی آموزش و پرورش کودکان و دانش‌آموزان استثنایی نشان می‌دهد که آموزش این افراد از طردشدگی و جداسازی به سمت یکپارچه‌سازی در آموزش و پرورش با همسالان عادی پیش رفته است. کودکان معلول در طول تاریخ همواره از دستیابی به فرصت‌های بازی، آموزش، زندگی خانوادگی، مراقبت‌های بهداشتی کافی، کار و حق مشارکت در زندگی اجتماعی محروم بودند. کودکان در چنین محیط‌های محروم، دچار ضعف و افت در اموری مانند خود پنداره، عزت نفس و انگیزه می‌شدند (۱).

آموزش کودکان دارای نیازهای ویژه همواره مورد توجه و تأکید دولتمردان و صاحب نظران نظام تعلیم و تربیت بوده است. از ابتدای دهه ۱۹۸۰ میلادی جریانی رو به گسترش در جامعه بین المللی برای فراگیر نمودن آموزش و پرورش کودکان دارای نیازهای ویژه در سطح مدارس عادی آغاز شده است. عهدنامه حقوق کودک مصوب سازمان ملل در سال ۱۹۸۹ اظهار می‌دارد: «کودکان معلول حق دارند در جامعه مشارکت فعال داشته و آموزش و پرورش آنان باید به افزایش یکپارچگی اجتماعی ممکن و رشد همه جانبه فردی منجر شود». علاوه بر تعداد زیاد دانش‌آموزان استثنایی که تحت پوشش سازمان آموزش و پرورش استثنایی هستند، بسیاری از دانش‌آموزان نیازمند خدمات خاص در مدارس عادی، بدون دریافت خدمات توانبخشی و مشاوره‌ای، مشغول به تحصیل می‌باشند که این علاوه بر مزیت‌هایش، مشکلاتی را نیز در بر داشته است. از سوی دیگر بسیاری از دانش‌آموزانی که در حال حاضر در مدارس استثنایی مشغول به تحصیل می‌باشند، قادرند با دریافت امکانات مورد نیاز، به‌صورت تلفیقی در مدارس عادی آموزش ببینند. طبق تعریف، مدارس تلفیقی، مدارس عادی هستند که در آنها دانش‌آموزان استثنایی به‌صورت پاره‌وقت یا تمام وقت همراه با دانش‌آموزان عادی در موقعیت و شرایط عادی تحت آموزش و پرورش قرار دارند (۲).

عمل ادغام دانش‌آموزان استثنایی با دانش‌آموزان عادی در اصطلاح فنی، در قالب مفاهیم متعددی مانند عادی‌سازی^۱، یکپارچه‌سازی^۲ یا تلفیق^۳ آمده است و گفته می‌شود که یکی از رویکردهای جدید و مهم نظام تعلیم و تربیت استثنایی است که از چند دهه قبل، جریان رو به گسترشی داشته است. هم‌اکنون جداسازی^۴ کودکان استثنایی در نظام‌های گوناگون آموزشی مورد تردید واقع شده و حتی در بعضی از کشورها به‌طور کامل مردود تلقی شده است،

1- Normalization
6- Nerge

2- Mainstreaming
7- Lanfenberg

3- Integration
8- The Warnock Report

4- Isolation
9- Dankerton

5- Michaelson



در مورد سه پاره‌تست پیشرفت اجرا کردند. ابزار پژوهش، آزمون پیشرفت تحصیلی استنفورد بود. نتایج نشان داد که دانش‌آموزان تلفیقی پیشرفت تحصیلی بیشتری نسبت به گروه ویژه داشتند. به عبارت دیگر یک تأثیر مثبت جهت یکپارچه‌سازی آموزشی تأیید شد (۱۱).

کلوین و مورس^۴ (۱۹۸۵) پژوهشی در ارتباط با تأثیر جایگزینی آموزش تلفیقی و ویژه در پیشرفت ریاضی دانش‌آموزان دبیرستانی انجام دادند. نمونه تحقیق شامل ۳۶ دانش‌آموز تلفیقی و ۴۴ نفر دانش‌آموز ویژه بودند. تجزیه و تحلیل نتایج نشان داد که نوجوانان آموزش دیده بصورت تلفیقی پیشرفت تحصیلی شان به مراتب بیشتر از گروه ویژه بود (۱۱).

توکلی (۱۳۷۸) تحقیقی انجام داد که به مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان آسیب‌دیده شنوایی در نظام تلفیقی و مدارس نظام ویژه پرداخت. نمونه پژوهش شامل ۹۶ نفر بود که ۴۸ نفر در آموزش تلفیقی و ۴۸ نفر در کلاسهای خاص بودند. در این پژوهش فقط پسرها مورد بررسی قرار گرفتند و معدل دانش‌آموزان به‌عنوان معیار پیشرفت تحصیلی اعمال شد. نتایج نشان داد که پیشرفت تحصیلی در گروه آسیب‌دیده شنوایی تلفیقی بیشتر از گروه ویژه بوده است (۱۴).

پژوهش دیگری توسط عبادیان چوپر (۱۳۷۸) صورت گرفته که به مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان آسیب‌دیده شنوایی در مدارس تلفیقی و مدارس خاص پرداخته است. آزمودنی‌ها شامل ۲۰۹ دانش‌آموز آسیب‌دیده شنوایی در حال تحصیل در دوره متوسطه در استان گیلان بود. ملاک ارزیابی بررسی معدل دانش‌آموزان بود. نتایج این پژوهش حاکی از تفاوت بین عزت نفس و انگیزه پیشرفت تحصیلی بین دانش‌آموزان تلفیقی و ویژه بود. تجزیه و تحلیل نتایج نشان داد که میزان پیشرفت تحصیلی در مدارس تلفیقی بیشتر از دانش‌آموزان در مدارس خاص بوده است (۱۰).

در تحقیقی که کیوان نامدار در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ در استان همدان به‌منظور بررسی و مقایسه انگیزه پیشرفت تحصیلی و عزت نفس و رابطه آن با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تلفیقی مبتلا به آسیب بینایی و شنوایی با دانش‌آموزان عادی استان همدان انجام داد، تعداد ۴۴ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر استثنایی مشغول به تحصیل در مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه عادی را با همان تعداد از دانش‌آموزان استثنایی مورد مطالعه قرار داد. نتایج این پژوهش حاکی از تفاوت بین عزت نفس و انگیزه پیشرفت تحصیلی بین دانش‌آموزان تلفیقی و ویژه بود (۱۵).

که توجه به آموزش و پرورش کودکان استثنایی و برابرسازی فرصت‌ها، جزء حقوقی است که دولتمردان و وزارتخانه‌های دولتی موظفند به این مهم توجه داشته باشند. ضرورت و اهمیت توجه به تحقیقات زمینه‌ای در پژوهش بس (۱۹۸۶) عنوان شد. از ۶۰ کودکی که در این تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفتند، ۳۵٪ آنها حداقل در کلاس اول مردود شده بودند. این محقق اضافه نمود که دانش‌آموزانی که در مدارس عادی (بصورت تلفیقی) درس می‌خوانند و آسیب شنوایی آنها عمیق و شدید است، احتمال شکست بیشتری خواهند داشت (۱۱).

گیرز و موگ^۱ (۱۹۸۹) در تحقیقی عملکرد خواندن و نوشتن یک گروه ۱۰۰ نفری از دانش‌آموزان تلفیقی مبتلا به آسیب شنوایی عمیق را که به‌طور شفاهی آموزش دیده بودند، خوب گزارش کردند (۱۱)، البته برنامه‌های آموزش و پرورش تلفیقی زمانی بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم و بپذیریم کشور ما در جهت گسترش و توسعه این اهداف هنوز در ابتدای راه است (۱۰).

بررسی فراتحلیلی پنجاه پژوهش انجام شده بر روی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه که در کلاس عادی تحصیل کرده بودند نشان داد که متوسط عملکرد تحصیلی گروه تلفیقی در صدک ۸۰ بود، در حالی که امتیاز دانش‌آموزان جداسازی شده (مشغول به تحصیل در مدارس استثنایی و ویژه) در صدک ۵۰ قرار گرفته بود (۶، ۵).

در فراتحلیلی که توسط جمعی از محققین صورت گرفته میزان اثر بخشی مفید آموزش فراگیر بر نتایج عملکرد تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه در حد کم تا متوسط گزارش شده است (۱۲).

در پژوهشی که توسط توماس ان کلوین^۲ تحت عنوان اثرات تراکم عادی‌سازی بر پیشرفت تحصیلی نوجوانان آسیب‌دیده شنوایی صورت گرفت، ۴۵۱ نوجوان دارای آسیب شنوایی در ۱۵ بخش از مدارس محلی ایالات متحده مورد پژوهش قرار گرفتند. نتایج نشان داد دانش‌آموزان عادی‌سازی شده از مزایای بیشتر و نیز دانش‌آموزانی که در کلاس‌های جبرانی بیشتر شرکت می‌کردند از سطح پیشرفت بیشتر در بین گروه عادی‌سازی شده برخوردار بودند (۱۳).

آلن و آسبورن^۳ تحقیقی در ارتباط با اثربخشی نوع جایگزینی آموزش ویژه و تلفیقی در پیشرفت تحصیلی انجام دادند. آنها با به‌کارگیری داده‌های پیشرفت تحصیلی و جمعیت‌شناسی در مورد ۱۴۵۶ کودک با نقص شنوایی که از یک پایگاه اطلاعات ملی نمونه‌برداری شده بودند به مطالعه پرداخته و تحلیل کواریانس را



ب) برای سنجش رفتارهای سازشی و اختلالات رفتاری از فرم ارزشیابی مبتنی بر تجربه معلم آخنباخ که یک پرسشنامه ۱۱۸ سوالی است استفاده شد.

رفتار سازشی (عملکردهای انطباقی) در قالب ۵ سوال در حیطه‌های جدیت در کار، رفتار مناسب، یادگیری و شاد بودن و انطباق کلی در ۷ سطح (۱=بسیار کمتر، ۲=نسبتاً کمتر، ۳=تا حدی کمتر، ۴=در حد متوسط، ۵=اندکی بیشتر، ۶=نسبتاً بیشتر و ۷=بسیار بیشتر) رفتارهای سازشی را می‌سنجند (۱۶).

۱۱۳ سوال باقی مانده در دو حیطه مبتنی بر تجربه و DSM-IV در قالب مجموعه سوالاتی با عناوینی خاص که در ذیل می‌آیند، اختلالات رفتاری را می‌سنجند.

سوالات مبتنی بر تجربه با عناوین زیر مشخص می‌شوند: اضطراب / افسردگی، گوشه‌گیری، افسردگی، شکایات جسمانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه، بی‌توجهی، بیش‌فعالی / تکانشگری، رفتار قانون‌شکنی، رفتار پرخاشگرانه، درونی‌سازی، برونی‌سازی و مشکلات کلی.

سوالات مبتنی بر DSM-IV نیز با عنوان‌های زیر مشخص می‌شوند:

مشکلات عاطفی، مشکلات اضطرابی، مشکلات جسمانی، مشکلات بیش‌فعالی / کم‌توجهی (ADHD)، بی‌توجهی، بیش‌فعالی / تکانشگری، مشکلات رفتار مقابله‌ای و مشکلات سلوک.

۱۱۳ سوال مطرح شده در سه سطح ۰ (درست نیست)، ۱ (تا حدی یا گاهی درست است) و ۲ (کاملاً یا غالباً درست است) مورد بررسی قرار می‌گیرند (۱۶). در انطباق و هنجاریابی که اصغر مینایی در سال ۱۳۸۲ انجام داد به ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ رسیده که بسیار مطلوب است. در پژوهش حاضر نیز میزان پایایی (اعتبار درونی) آزمون از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای هر یک از سه بخش پرسشنامه آخنباخ (رفتار انطباقی، مشکلات مبتنی بر تجربه و مشکلات مبتنی بر DSM-IV) به‌طور جداگانه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۴ و ۰/۸۶ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۵ بدست آمده که از اعتبار بالایی برخوردارند.

بعد از انجام مراحل مقدماتی آزمون مبتنی بر تجربه آخنباخ (فرم معلم)، پرسشنامه تست مذکور تهیه و به مدارس طرح تلفیقی ارسال شد. فرم پرسشنامه‌ها شامل سوالات مربوط به اطلاعات شخصی دانش‌آموزان، پایه، دوره و نوع معلولیت بوده و همچنین در صفحه اول پرسشنامه معدل کسب شده در نیم سال اول نیز قید گردیده است. تکمیل فرم در دوره ابتدایی با کمک معلم رابط و معلم اصلی دانش‌آموزان اجرا و در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان با کمک معلم رابط، چند تن از دبیران، مشاور و یا

در تحقیقاتی که صورت گرفته سایر مولفه‌های روانی و شخصیتی دانش‌آموزان استثنایی مانند اختلالات روانی، رفتارهای سازشی و... کمتر مورد بررسی واقع شده و جای خالی این‌گونه تحقیقات بیشتر به چشم می‌خورد. همین امر اهمیت و ضرورت تحقیقات را در این زمینه مشخص می‌کند. هدف اصلی پژوهش حاضر مقایسه تأثیرات دو سیستم آموزشی تلفیقی و ویژه بر دانش‌آموزان استثنایی است و در همین راستا بطور اختصاصی تر سه هدف زیر دنبال می‌شود:

۱) بررسی و مقایسه میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان استثنایی طرح آموزشی تلفیقی با ویژه.

۲) بررسی و مقایسه رفتار سازشی دانش‌آموزان استثنایی طرح آموزشی تلفیقی با ویژه.

۳) بررسی و مقایسه میزان و نوع اختلالات رفتاری دانش‌آموزان استثنایی طرح آموزش تلفیقی با ویژه.

روش بررسی

پژوهش حاضر یک مطالعه از نوع علی مقایسه‌ای بوده و جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کلیه دانش‌آموزان استثنایی است که در دو گروه نابینا و ناشنوا، در سال تحصیلی ۸۵-۸۴ در تمامی دوره‌های (ابتدایی، راهنمایی، متوسطه) دو نظام آموزشی ویژه و تلفیقی استان همدان مشغول به تحصیل بودند. آمار دانش‌آموزان نظام تلفیقی به تفکیک دوره، در ابتدایی ۱۷ نفر، راهنمایی ۱۰ نفر و متوسطه ۱۳ نفر و مجموعاً ۴۰ نفر مشغول به تحصیل بودند. به همین دلیل تمامی جامعه آماری انتخاب شده و سپس به همین تعداد از میان دانش‌آموزان نابینا و ناشنوا نظام آموزشی ویژه استان همدان به روش نمونه‌برداری طبقه‌ای تعداد ۴۰ نفر از سه دوره و مطابق با جنسیت آن گروه آموزش تلفیقی انتخاب شد. به این ترتیب که کلیه دانش‌آموزان استثنایی در دوره‌ها، گروه‌ها (نابینا و ناشنوا) و مدارس، در خوشه‌های مربوط به خود قرار گرفته، سپس از طبقه‌های بدست آمده با توجه به مجاز بودن به انتخاب ۴۰ نفر متجانس (از نظر جنسیت، پایه تحصیلی و معلولیت) با گروه تلفیقی، با استفاده از نمونه‌برداری تصادفی ساده دانش‌آموزان انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

الف) برای ارزیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از معدل تحصیلی کسب شده در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ و همین‌طور ملاک پیشرفت تحصیلی موجود در پرسشنامه فرم ارزشیابی مبتنی بر تجربه معلم آخنباخ استفاده شد که ۷ ماده درسی را در ۵ سطح (۱ تا ۵) سنجیده و معدل دروس را ثبت می‌کند.



یافته‌ها

نتایج مربوط به معدل و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان به تفکیک نوع نظام آموزشی در جدول (۱) نشان داده شده است. براساس جدول مشاهده می‌شود که میانگین معدل و عملکرد تحصیلی در نظام آموزشی تلفیقی از نظام آموزشی ویژه بیشتر است. لازم به ذکر است که عملکرد تحصیلی دارای دامنه‌ای از صفر تا پنج است.

معاونین مدارس تکمیل شد. برای تکمیل فرم دانش‌آموزان طرح ویژه نیز به همان ترتیبی که در بالا آمده اقدام شد. برای تحلیل داده‌های آماری، از روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و نمودار) و روش‌های آمار استنباطی (آزمون تی مستقل و تحلیل واریانس چند متغیره) استفاده شد که تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS انجام پذیرفت.

جدول ۱- توصیف معدل و عملکرد تحصیلی به تفکیک نوع نظام آموزشی

نوع نظام آموزشی	تعداد	معدل		عملکرد تحصیلی	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
تلفیقی	۴۰	۱۵/۸۹	۲/۲۰	۲/۹۵	۰/۷۴
ویژه	۴۰	۱۱/۹۷	۱/۳۴	۱/۹۲	۰/۴۵

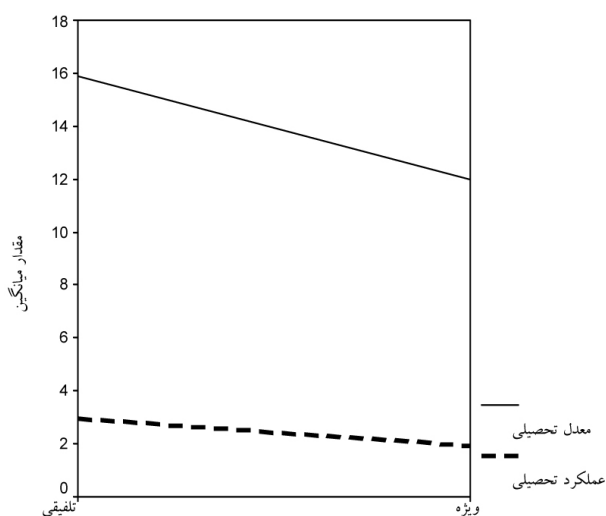
نتایج مربوط به توصیف اختلالات رفتاری که شامل میانگین، انحراف استاندارد و مقدار احتمال حاصل از مقایسه هر یک از متغیرهاست به تفکیک نوع نظام آموزشی بررسی شده و در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲- مقایسه اختلالات رفتاری به تفکیک نوع نظام آموزشی

نام متغیر	نوع نظام آموزشی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آماره تی	مقدار احتمال
اضطراب	تلفیقی	۴۰	۲/۹۰	۳/۰۱	-۱/۶۶	۰/۱۰۱
	ویژه	۴۰	۴/۱۳	۳/۵۷		
گوشه‌گیری	تلفیقی	۴۰	۲/۹۳	۳/۰۴	-۱/۱۷	۰/۲۴۴
	ویژه	۴۰	۳/۶۸	۲/۶۶		
شکایات جسمانی	تلفیقی	۴۰	۱/۷۸	۱/۹۲	-۳/۱۷	۰/۰۰۲
	ویژه	۴۰	۲/۹۵	۱/۳۶		
مشکلات اجتماعی	تلفیقی	۴۰	۳/۵۰	۳/۲۳	-۶/۴۷	<۰/۰۰۱
	ویژه	۴۰	۸/۱۳	۳/۱۶		
مشکلات تفکر	تلفیقی	۴۰	۲/۱۵	۳/۲۱	-۵/۹۰	<۰/۰۰۱
	ویژه	۴۰	۶/۶۳	۳/۵۷		
مشکلات توجه	تلفیقی	۴۰	۴/۰۵	۴/۷۷	-۵/۶۱	<۰/۰۰۱
	ویژه	۴۰	۹/۴۳	۳/۷۳		
رفتار قانون‌شکنی	تلفیقی	۴۰	۲/۵۰	۳/۲۲	-۶/۷۲	<۰/۰۰۱
	ویژه	۴۰	۵/۶۰	۲/۳۲		
رفتار پرخاشگرانه	تلفیقی	۴۰	۳/۶۵	۵/۷۷	-۶/۱۳	<۰/۰۰۱
	ویژه	۴۰	۱۱/۵۰	۵/۶۷		
مشکلات عاطفی	تلفیقی	۴۰	۱/۸۰	۲/۲۱	-۴/۶۷	<۰/۰۰۱
	ویژه	۴۰	۴/۲۳	۲/۴۳		
مشکلات اضطرابی	تلفیقی	۴۰	۱/۰۳	۱/۴۹	-۳/۲۹	۰/۰۰۲
	ویژه	۴۰	۲/۲۰	۱/۷۰		
مشکلات جسمانی	تلفیقی	۴۰	۰/۳۰	۱/۰۲	-۱/۳۰	۰/۱۹۹
	ویژه	۴۰	۰/۵۸	۰/۸۷		
مشکلات بیش‌فعالی-کم‌توجهی	تلفیقی	۴۰	۴/۷۵	۵/۹۰	-۶/۱۶	<۰/۰۰۱
	ویژه	۴۰	۱۲/۴۳	۵/۲۳		
مشکلات رفتار مقابله‌ای	تلفیقی	۴۰	۱/۱۳	۲/۰۵	-۴/۹۵	<۰/۰۰۱
	ویژه	۴۰	۳/۸۸	۲/۸۵		
مشکلات سلوک	تلفیقی	۴۰	۱/۷۳	۴/۰۲	-۵/۱۰	<۰/۰۰۱
	ویژه	۴۰	۶/۵۵	۴/۴۳		

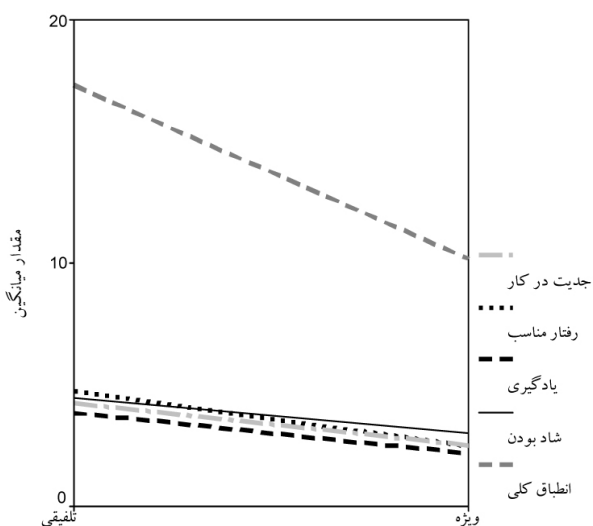


سنجیده شد: ۱- جدیت در کار ۲- رفتار مناسب ۳- یادگیری ۴- شاد بودن. برای بررسی این فرضیه از بردار ۴ متغیره‌ای شامل متغیرهای فوق استفاده شد. نتایج تحلیل واریانس نشان داد که در هر ۴ متغیر فوق تفاوت معناداری بین گروهها وجود دارد ($P < 0/001$). بر اساس نمودار (۲) دیده می‌شود که تفاوت قابل توجهی بین دو روش موجود است و میانگین در روش تلفیقی کوچکتر است.



نمودار ۲- میانگین رفتار سازشی به تفکیک نوع آموزش

پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس دو ملاک سنجیده شد: ۱- معدل تحصیلی ۲- مقیاس عملکرد تحصیلی پرسشنامه آخنباخ. چنانچه در نمودار (۱) دیده می‌شود مقدار میانگین‌ها هم در معدل و هم در عملکرد تحصیلی در نظام تلفیقی بیشتر از روش ویژه است و نتایج تحلیل واریانس نیز حاکی از وجود تفاوت معنادار بین گروهها بوده است ($P < 0/001$). میزان رفتار سازشی دانش‌آموزان مورد بررسی بر اساس چند ملاک



نمودار ۱- میانگین عملکرد تحصیلی به تفکیک نوع آموزش

چند متغیره نیز حاکی از معنادار بودن همه مقادیر تحلیلها بود، یعنی بین میانگینها در دو روش تفاوت معناداری وجود داشته است ($P < 0/001$).

میزان اختلالات رفتاری دانش‌آموزان نیز بر اساس چندین ملاک بر خاسته از دو دیدگاه سنجیده شد:

الف) مبتنی بر تجربه

۱- اضطراب ۲- گوشه‌گیری ۳- شکایات جسمانی ۴- مشکلات اجتماعی ۵- مشکلات تفکر ۶- مشکلات توجه ۷- رفتار قانون‌شکنانه ۸- رفتار پر خاشگرانه

ب) مبتنی بر DSM-IV

۱- مشکلات عاطفی ۲- مشکلات اضطرابی ۳- مشکلات جسمانی ۴- مشکلات بیش‌فعالی / کم‌توجهی (ADHD) ۵- مشکلات رفتار مقابله‌ای ۶- مشکلات سلوک.

لازم به یادآوری است که داده‌ها یک بار برای مقایسه دو نظام آموزشی با آزمون تی مستقل و بار دیگر با توجه به تاثیر دادن دو گروه نابینا و ناشنوا، با آزمون آنالیز واریانس چند متغیره تحلیل شده‌اند که نتایج آزمون تی مستقل در جدول (۲) آمده و همه مقادیر احتمال به جز ملاکهای اضطراب، گوشه‌گیری و شکایات جسمانی معنادار بوده‌اند، یعنی بین میانگینها در دو نظام آموزشی تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل واریانس

بحث

در پژوهش حاضر به مقایسه دو سیستم آموزشی ویژه و تلفیقی از نظر پیشرفت تحصیلی و رفتارهای سازشی دانش‌آموزان پرداخته شده است. تحقیق در سطح استان همدان و با کلیه افراد جامعه آموزش تلفیقی به تعداد ۴۰ نفر به تفکیک دوره، ابتدایی ۱۷ نفر، راهنمایی ۱۰ نفر و متوسطه ۱۳ نفر و همین تعداد به روش نمونه‌برداری خوشه‌ای از مدارس آموزش ویژه انتخاب شد. از لحاظ متغیر سنی بیشترین فراوانی در رده سنی ۱۴ تا ۱۷/۵ سال و کمترین در رده سنی ۱۷/۵ تا ۲۱ سال بوده است. بیشترین فراوانی در معدل تحصیلی در رده ۱۰/۵ تا ۱۳/۵ و در عملکرد تحصیلی در مقیاس (۱ تا ۵) در ۲/۸۵ مشاهده شد. با بررسی و تحلیل نتایج به دست آمده مشاهده می‌شود که بین میانگینهای معدل تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نابینا و ناشنوا در دو روش تلفیقی



و روش ویژه تفاوت معناداری وجود دارد که نشان‌دهنده توفیق روش تلفیقی است. پیرامون تأثیر آموزش تلفیقی بر پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان استثنایی در حمایت از آموزش فراگیر و نظام تلفیقی قابل ذکر است که دانش‌آموزان استثنایی مشغول به تحصیل در مدارس عادی با توجه به مشکلات مختلفی که دارند توانسته‌اند به میزان قابل توجهی عملکرد تحصیلی خود را به سطح دانش‌آموزان عادی کلاس برسانند و این یافته با یافته‌های پژوهش‌های دیگر پیرامون اثربخشی نظام تلفیقی از قبیل پژوهش‌های انجام گرفته شده توسط کلونین و مورس، آلن و آسبورن (۱۹۸۴)، هورست (۱۹۸۵)، رایش و همکاران (۱۹۷۵)، فلدستر (۱۹۸۰)، توماس ان کلونین (۱۹۹۳)، واینر آر (۱۹۸۵)، به‌پژوه (۱۹۹۱)، گیزر و موگ (۱۹۸۹)، بس (۱۹۸۶)، توکلی (۱۳۷۸) و عبادیان (۱۳۷۸) هماهنگی و مطابقت دارد (۱۴-۱۰، ۸، ۷، ۳).

همچنین بین رفتارهای سازشی دانش‌آموزان نابینا و ناشنوا در روش تلفیقی و ویژه و نیز میزان اختلالات، نوع اختلالات و شیوع آنها در بین دو نظام آموزشی تفاوت وجود دارد که این یافته‌ها نیز با تحقیقات ذکر شده قبلی هماهنگی دارد.

نتیجه‌گیری

نتیجه کلی به‌دست آمده نشان‌دهنده موفقیت روش آموزشی تلفیقی چه در عرصه آموزش و چه در حیطه پرورش می‌باشد. با توجه به مطالعاتی که روی این طرح در داخل و خارج از کشور در سال‌های اخیر انجام پذیرفته است، اهتمام مسوولین، به توسعه این نظام آموزشی به‌طور گسترده در تمام نقاط کشور لازم و امید است که با توسعه این شیوه آموزشی حساسیت‌های منفی جامعه نسبت به کودکان استثنایی کاهش یافته و مشکلات دانش‌آموزان استثنایی برای ورود به جامعه کمتر گردد. از جمله محدودیت‌های این طرح می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ۱- نبود نظام هماهنگ سنجش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان استثنایی ویژه و تلفیقی بخصوص در گروه ناشنوا.
- ۲- نبود پژوهش‌های کافی در کشور درباره مقایسه دانش‌آموزان استثنایی ویژه و تلفیقی در متغیرهای گوناگون بویژه متغیرهای مورد نظر این پژوهش.
- ۳- عدم وجود تحقیقات لازم و پژوهش‌های زمینه‌ای کارآمد و مناسب درباره موضوعات و متغیرهای موجود در طرح آموزش فراگیر (تلفیقی).

- ۴- کم بودن تعداد نمونه مورد پژوهش.
- همچنین در راستای نتایج و محدودیت‌های این پژوهش، می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:
- بررسی و مطالعه وضعیت روانی، شغلی و اجتماعی (مهارتها، مشارکتها) دانش‌آموزان تلفیقی بعد از فراغت از تحصیل و مقایسه آن با دانش‌آموزان مدارس ویژه.
 - بررسی راه‌های افزایش سطح سازگاری و افزایش انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان استثنایی به‌ویژه دانش‌آموزان طرح تلفیقی.
 - بررسی تأثیر حضور دانش‌آموزان ویژه در نظام تلفیقی بر متغیرهای عملکرد تحصیلی، مقبولیت اجتماعی در مدارس عادی، مشکلات رفتاری، اعتماد به نفس و انگیزه در دوره‌های مختلف ابتدایی، راهنمایی و متوسطه.
 - اجرای دوره‌های آموزشی ضمن خدمت در خصوص آموزش تلفیقی و فراگیر برای معلمان رابط، مدیران، معلمان و دبیران مدارس مجری طرح تلفیقی.
 - گسترش نظام فراگیر (تلفیقی) در سطح کشور.
 - اجرای عملی شیوه‌های افزایش سازگاری و انگیزش پیشرفت توسط آموزگاران و دبیران بر اساس دستورالعمل‌های نظام آموزش و پرورش کشور.
 - جذب و پرورش معلمان متخصص تحت عنوان آموزگار (دبیر) آموزش فراگیر از طریق دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی.
 - تشکیل کمیته اجرایی برنامه‌های نظام آموزشی و فراگیر در سطح وزارتخانه.
 - سعی در اجرا و تشکیل کلاسهای آموزش تلفیقی (فراگیر) از سطوح اولیه تحصیلی (ابتدایی).
 - آنچه که در آخر توصیه می‌شود گسترش روز افزون این سیستم آموزشی در کشور است. همچنین برای عملیاتی کردن طرح در سطح وسیع و اجرای صحیح و کارآمد این طرح نیاز است که اقدامات تحقیقی و پژوهشی بیشتری انجام گیرد.

تشکر و قدردانی

از اساتید بزرگوار، مدیریت، کارکنان، معلمان و دبیران آموزش و پرورش استثنایی استان همدان که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.



- 1- Hasanzadeh S. [Introductory evaluation of mixed education of students with hearing deficiencies (Persian)]. Tehran. Exceptional Children Research Center; 1999.
- 2- [The executive regulations of education ministry of exceptional children (Persian)]. 2000.
- 3- Behpazhooh A, Salehi M. [A comparison of non-verbal intelligence performance of deaf students at 6, 9 and 12 years old (Persian)]. Journal of Psychology and Educational Sciences. 1999; 5(2): 96-110.
- 4- Daniels H. Special education re-formed. London. Palmer Press; 2000, pp: 157-172.
- 5- McLeskey J, Pacchiano D. Mainstreaming students with learning disabilities: are we making progress? Except Child. 1994; 60(6): 508.
- 6- Fuchs D, Fuchs LS. Counterpoint: special education ineffective? immoral? Except Child. 1995; 61(3): 303.
- 7- Behpazhooh A. [What is educational integrity? (Persian)]. Journal of Scientific Association of Exceptional Children. 1993; 5(16&17): 117-126.
- 8- Behpazhooh A. [Normalization movement (Persian)]. Exceptional Children Journal. 1992; 2: 20-32.
- 9- Sharifi P. [Exceptional children: characteristics and psychological constraints (Persian)]. Isfahan. Fadan Press; 2001, pp: 201-202.
- 10- Ebadian Choobar S. [The rights of exceptional children conference in Iran (Persian)]. Proceeding and abstracts. University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. 2000.
- 11- Ross M, Bracket B, Maxon A. Assessment management of mainstreaming learning impaired children and practice. Austin, TX: Pro-Ed; 1991, pp: 85-111.
- 12- Jenkinson JC. Mainstreaming or special educating student with disabilities. London. Routledge; 1997, pp: 321-328.
- 13- Kluwin TN. Cumulative effect of mainstreaming on the achievement of the deaf adolescents. Except Child. 1993; 60(1): 73-81.
- 14- Fahmideh Tavakoli A. [Assessment of the relationship between motivation of progress, causal attribution and academic achievement among the high school students of Hamadan province (Persian)]. Thesis for master of sciences in educational psychology. Allame-Tabataba'ee University; 1999.
- 15- Namdar K. [A comparison between mixed students with vision and hearing deficiencies and normal students in academic achievement motivation and self-esteem and their relation with educational performance at Hamedan province (Persian)]. Thesis for master of sciences in exceptional children psychology. Allame-Tabataba'ee University; 2004.
- 16- Minaee A. [Validating of scale based on Achtenbac experiment (Persian)]. Tehran. Exceptional Children Research Center; 2003.